

روحیه تحقیق را در طلبه بارور کنیم گفتگو با محسن امیدوار

محسن امیدوار

لطفاً برای آشنایی بیشتر مخاطبان، خود را معرفی فرموده و سابقه علمی و فرهنگی خود را مختصر بیان کنید.

محسن امیدوار هستم؛ طلبه سال پنجم و دوره اول مدرسه علمیه مشکوة. دارای مدرک کارشناسی مهندسی مکانیک از دانشگاه امیرکبیر و کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی از دانشگاه علامه طباطبائی (ره). پیش از طلبگی یعنی در بازه سال های 83 تا 88 در موسسه جهادی به فعالیت های فرهنگی- تربیتی اشتغال داشتم. در همان سال ها از طریق استاد گرانقدرم حجت الاسلام و المسلمین غنوی، با تفکرات مرحوم علی صفایی حائری آشنا شدم و چند سالی به صورت پاره وقت در محضر حاج آقا غنوی به یادگیری مباحث استاد صفایی پرداختم.

جناب آقای امیدوار، چرا به حوزه علمیه آمدید و آیا از این انتخاب خود راضی هستید؟

اصل دلیل، احساس نیاز به دریافت بی واسطه معارف دین بود که از طریق حوزه علمیه تأمین می شد. به دلیل علاقه شخصی ام به بحث های تربیتی و اشتغال ام در امور فرهنگی، پس از چند سال به این نتیجه رسیدم که باید دریافت های خود از دین را نظام مند کرده و تا حدودی صاحب نظر مباحث دینی شوم تا قدرت نقد تفکرات موجود در عرصه تربیت و انسان سازی را پیدا کرده و در نهایت به توان تولید اندیشه دست پیدا کنم که البته نیازمند صرف عمر فراوان در این وادی می باشد.

مهم ترین دستاوردهای شما در دوران چهار سال طلبگی در مدرسه علمیه مشکوة چه بوده است؟

دستاوردها که زیاد است اما مهم ترین آن: ارتباط بی واسطه با معارف ناب آیات و روایات (منظور از بی واسطه یعنی توان فهم 70-80 درصدی نصوص را بحمدالله پیدا کرده ام که پیش از طلبگی در حد 20-30 درصد بود)

اگر بخواهید یک نقطه قوت و یک نقطه ضعف برای مدرسه بیان کنید، آن کدام است؟

مدرسه مشکوة مانند هر مجموعه نقاط قوت و ضعفی دارد که مهم ترین نقطه قوت آن از نظر من کوتاه کردن زمان تحصیل برای امثال بنده است که بعد از دانشگاه وارد حوزه شده ایم؛ چرا که به نظر می رسد دوره آموزشی رایج در حوزه ها با وضعیت عموم افراد جامعه که در سنین نوجوانی وارد حوزه می شوند، بیشتر تناسب دارد، که امری طبیعی نیز هست.

مهم ترین نقطه ضعف مشکوة، برنامه مدون در زمینه تحول در سطح قلب و روح طلاب است. تحول در مشکوة تا این لحظه صرفاً در روش های آموزشی و متون درسی تعریف شده است. یکی از کارکردهای ارزشمند حوزه قدیم، رابطه استاد و شاگردی است که در آن، استاد نسبت به طلاب خود نوعی مسئولیت و عهده داری را احساس می کند و این عهده داری نه فقط در زمینه آموزشی بلکه در زمینه های اخلاقی، معیشتی، امر ازدواج، مشکلات روحی و حتی جسمی و... دامنه خود را می گستراند، اما بیشتر مدارس جدید تا حدودی از این امر فاصله گرفته اند؛ بنابراین، مشکوة به عنوان تنها داعیه دار جدی و بالفعل تحول حوزه

در کل کشور، لازم است در زمینه های تربیت طلاب نیز دارای برنامه ای مدون، نظام مند و اجتهادی باشد؛ هرچند ظاهراً برای آینده تلاش هایی در دست اقدام قرار گرفته است.

چه شد که در سومین جشنواره علامه حلی شرکت کردید؟ و چرا این موضوع خاص را برای تحقیق انتخاب نمودید؟

همان طور که می دانید مدرسه مشکوة در ایام پژوهشی خود (یک هفته در اواسط اردیبهشت ماه هر سال) طلاب را به شکل اردوی دسته جمعی به شهر مقدس قم می برد و در آنجا از اساتید حوزوی قوی برای مشاوره و راهنمایی طلاب دعوت به عمل می آورد. طلاب در این هفته موظف اند موضوعی را که از قبل انتخاب نموده اند با راهنمایی استاد، تبدیل به یک مقاله پژوهشی کنند. بدنه اصلی تحقیقات بنده نیز در هفته پژوهشی مدرسه علمیه مشکوة (در اردیبهشت 91) انجام شده که در همین جا لازم است از مدیر محترم، جناب حجت الاسلام والمسلمین استاد قاسمیان و اساتید بزرگوار مدرسه به خاطر راهنمایی های ارزنده شان و به خاطر فراهم آوردن این فرصت تحقیقاتی، کمال تشکر را داشته باشم.

درباره انتخاب این موضوع باید بگویم که موضوعات پروژه قم بر اساس توان طلاب و حجم موضوع به آن ها محول می شد. آقای قربانی که مسئول پروژه فقه در آن زمان بودند، این موضوع را به بنده پیشنهاد دادند که پیشنهاد ایشان مبنی بر مطالعات تربیتی پراکنده ای بود که بنده سابقاً در حوالی این موضوع انجام داده بودم.

در همان اردوی پژوهشی قم، جناب استاد قاسمیان طلاب را به شرکت در جشنواره علامه حلی (ره) تشویق می کردند. البته پژوهش اکثر طلاب در بازه اردو تمام نشد و بنده در فرصت تابستان سال 91 که در ماه مبارک رمضان در مشهد مشرف بودم، مقاله را به پایان رساندم. در اوایل سال تحصیلی بعد، مسئولین جشنواره استانی علامه حلی، از طرف مدیریت حوزه های علمیه استان تهران به مدرسه ما آمدند و با ارائه توضیحاتی، مجدداً طلاب را به ارسال آثار خود به جشنواره علامه حلی تشویق کردند. از آن تاریخ با یک کار حدوداً یک هفته ای، مقاله خود را با معیار جشنواره هماهنگ کرده و ارسال نمودم.

اهمیت این جشنواره را در چه می بینید؟ و آیا دیگران را به شرکت در آن تشویق می کنید؟

اهمیت این جشنواره را باید در اهمیت اصل پژوهش جستجو کرد. پژوهش و کنکاش علمی، رسالتی است که قوام عنوان طلبه امام صادق علیه السلام بر آن بنا شده است. بدون این مهم، یادگیری علوم آلی حوزوی بی فایده بوده و طلبه توان بکارگیری این علوم و پاسخگویی روشمند به پرسش ها و مسائل روز را پیدا نخواهد کرد. هدف اصلی طلبگی باید چشمه شدن باشد. گرچه آبراه هایی هم لازم است که آب را به تشنگان برساند اما طلبه که در حقیقت کارشناس عالی دین است باید تولید کند و سیلان ایجاد کند تا در همه دوران حیات انسانی، برای حل مشکلات و درگیری های نوع انسان پاسخی به روز و منطبق با شرایط، از سوی دین فراهم کند. این مهم یعنی چشمه بودن، محقق نخواهد شد مگر با انجام تحقیق و پژوهش. در کنار منابع ناب دین یعنی قرآن و احادیث معصومین علیه السلام، تراث ارزشمند فقهی، کلامی و معرفتی شیعه، منابع گسترده ای هستند که بر پایه آن ها امکان پاسخگویی به هر پرسش جدید برای محقق مدرسه امام صادق علیه السلام فراهم است؛ به نظر اینجانب برپایی جشنواره علامه حلی (ره) قدم مبارکی برای ترویج تحقیق و پژوهش در میان طلاب است و امید می رود که البته با تغییراتی در روند برگزاری آن بتواند به نتایج مطلوب دست پیدا کند.

به نظر شما علت عدم رغبت عمومی طلاب به پژوهش از کجا ناشی می شود؟

شاید کمتر طلبه ای باشد که ذاتاً علاقه ای به این امر نداشته باشد؛ پس دلیل اصلی را باید در «موضوع» تحقیق جستجو کرد. اگر موضوعی جذاب و مخصوصاً مورد ابتلای جامعه، به او پیشنهاد شود و یک سیر تحقیقی روشن (و نه مبهم) برای طلبه تعریف شود چه بسا این قوه خاموش در او روشن و بالفعل شود و علاقه مند به تحقیق گردد.

به علاوه یک تحقیق هر قدر هم که قوی باشد تا به مرحله خروجی و محصول نرسد نمی تواند رضایت کامل محقق را به همراه بیاورد. محقق زمانی به هدف خود می رسد که ببیند پژوهش او در معرض دید اهل فن قرار گرفته و نقد و ارزیابی می شود. این خروجی می تواند یک جزوه، یک نشریه، یک سایت اینترنتی و یا حتی یک کتاب باشد.

یکی از عوامل انگیزه ساز برای تحقیق آن است که تحقیق پس از تکمیل در بوته نقد اساتید خبره حوزوی قرار گیرد. شوق دیده شدن و نقد علمی انگیزه فراوانی در طلبه ایجاد می کند که هر آنچه تاکنون آموخته را به میانه گود بیاورد و با تلاش و جدیت مواد خام تحقیق اش را بیابد و در نهایت با نظامی عملی آن را مدون کند؛ چرا که قرار است توسط افرادی دیده شود که موشکافانه به اثر تحقیقی او می نگرند.

در مجموع به نظر من اگر موضوع تحقیق درست و کاربردی باشد، سیر پژوهش به روشنی تعریف شود، تحقیق تا رسیدن به محصول نهایی پیگیری و مورد نقد و بررسی جدی خبرگان امر قرار گیرد، طلاب با جان و دل به پژوهش رو می آورند.

با توجه به سابقه و شناخت خود، وضعیت پژوهش در مدرسه مشکوة را چگونه ارزیابی می کنید؟

مدرسه ما از آغاز با شعار محور بودن پژوهش کار خود را آغاز کرد و اصلی ترین ساز و کار عملی شدن این شعار را هفته های پژوهشی در نظر گرفت. به نظر اینجانب آنچه که در بیشتر هفته های پژوهشی انجام شد، اجرای پروژه های دسته جمعی به منظور تولید خروجی های نرم افزاری بود به طوری که این هفته ها عمدتاً به سمت ترجمه روایات، تمرین اصول، نمایه زنی متون فقهی و ... سوق پیدا کرد. در این چهار سال تنها از دو پروژه تحقیقی جدی و کامل می توانم یاد کنم که اولی تدوین مقاله فقهی و در سال بعد پژوهش اصولی است، هر چند در دومی نیز بیشتر مطالعه شروح و حواشی مد نظر قرار گرفته بود. به هر حال به نظر می رسد که اهمیت دهی به امر پژوهش به یک نگاه کلان و برنامه ریزی و اجرای متناسب با آن نیازمند است. باید بتوانیم روحیه تحقیق را در طلبه بارور کنیم، تا آن جا که برای ارائه یک منبر نیز دارای طرح تحقیقی باشد و بتواند آن را مستند به شرع مقدس نماید. در حقیقت، تحقیق، استفاده از آموخته های تئوری طلبه در موضوعات مختلف به منظور پیاده سازی قواعد و اصول کلی بر یک موضوع جدید است که این کار با یک روحیه تحقیق محور محقق می شود. ایجاد این روحیه همانند ایجاد همه تغییرات دیگر انسانی، نیازمند برنامه ریزی، جدیت و پیگیری است. آیا ما توانسته ایم در یک برنامه حساب شده و از پیش تعیین شده از ابزارهای موجود برای ایجاد این روحیه استفاده کنیم؟ مثلاً آیا نقش اساتید در ایجاد این روحیه و انگیزه بخشی در امر تحقیق را به درستی در نظر داریم؟ آیا به انواع مشوق ها و کارکرد آن ها در پیش رانش فرد برای تحقیق واقفیم؟ جا دارد دست اندرکاران مدرسه این نکات را بیشتر مد نظر قرار دهند.

در پایان چه توصیه ای، به خصوص در امر پژوهش، برای دوستان و طلاب جوان تر در مدرسه دارید؟

تمام حرفم را در چند مورد به هم مرتبط خلاصه می کنم؛ طلبه باید:

1- از همان ابتدای طلبگی آرشیو مطالعات شخصی مدون داشته باشند؛ یعنی مطالعات پراکنده خود را چه به صورت خلاصه و چه به صورت تفصیلی در جایی حفظ کنند.

2- تمامی موضوعاتی که در خلال درس ها و تأملات فردی در نظرشان جالب و دغدغه آفرین است را در جایی به طور منظم یادداشت کنند (شبه دفترچه ایده).

3- تراوشات ذهنی خود در استظهار از روایات و آیات را در جایی ثبت کند.

4- از همان ابتدا خود را عادت بدهند که مستند و مستدل صحبت کنند و بنویسند (حتی در یادداشت های شخصی)، چرا که شرط لازم برای یک پژوهش علمی، استناد و استدلال است.

از این که زمان خود را در اختیار ما قرار دادید متشکریم.